فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده کل قوا دیدار کردند

فرمان «بازدارندگی حداکثری»

فرماندهان ارشـد نیروهای مسـلح با فرمانده کل قوا دیدار کردند و ایشــان در این دیــدار «آمادگی رزمی هوشــمندانه برای مقابله پرقدرت با دشــمنان» را از الزامــات «بازدارندگی حداکثری» دانســتند و مقرر کردند هر ســطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود. رهبر انقلاب در این دیدار، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان» را از الزامات «بازدارندگی حداکثری» دانستند و مقرر کردند هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تصریح کردند: اگر دشمنان مجددا حملات نظامی یا تروریستی را شروع کنند، این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین می‌کنند. فرمانده کل قوا همچنین بر تقویت معماری اطلاعات نظامی، تعمیق دفاع بومی در دو حوزه «دکترین» و «تاکتیک»، رشد توانمندی‌های روزآمد دفاعی و امنیتی بــا بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت بنیه معنوی و روحیه جهادی، همزمان با تلاش بی‌وقفه برای تأمین نیازهای معیشتی و پشتیبانی از نیروهای مســلح، تأکید کردند. در بخش دیگری از تدابیر فرمانده کل قوا مقرر شد بانک اهداف به‌نحوی به‌روزرسانی شود که انواع دارایی‌های مادی و غیرمادی دشمن امریکایی-صهیونی در تیررس نیروهای مسلح قرار گیرد. ایشــان حمایت ملی از نیروهای مسلح را از ارکان بازدارندگی در برابر بیگانگان ایران‌ستیز و مزدوران داخلی آنها دانستند و اضافه کردند: حضور هشت‌ماهه ملت مبعوث در میادیــن، امتداد بخش دفاع مقدس هشت‌ســاله اســت که به موازات پایمردی نیروهای نظامی، انتظامی و بسیجی، از تمامیت سرزمینی ایران و نظام اسلامی حفاظت کرده است و خواهد کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، با قدردانی از استواری هوشمندانه جبهه مقاومت در کشورهای مختلف، وحدت ساحات را متغیری تعیین‌کننده با تاثیر راهبردی در شکل‌دهی به نظم جدید سیاسی و امنیتی در غرب آسیا دانستند و ابراز امیدواری کردند این نظم جدید زمینه روزافزون اتحاد ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم کند. سردار سرلشکر عبداللهی، رییس ستاد کل نیروهای مسلح، امیر سرلشکر حاتمی، فرمانده کل ارتش و سردار سرلشکر وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در دیدار با فرمانده کل قوا، ضمن ارایــه گزارش‌هایی از وضعیت آمادگی مدافعان کشور در سواحل خلیج‌فارس، مناطق عملیاتی تنگه هرمز، دریــای عمان و مرزهای شــمال غرب و جنوب شرق کشور، گزارشی نیز از تولید چندبرابری انواع مهمات و ســلاح‌های شناسایی، پشتیبانی و رزمی به استحضار ایشان رساندند. فرمانده کل قوا، ضمن اظهار خرسندی از فعالیت‌های انجام‌شده، از فرماندهان ارشد نظامی خواستند مراتب تشکر و رضایت ایشان را به اطلاع کلیه نیروهای نظامی، انتظامی، بسیجی و کارکنان این سازمان‌ها و وزارت دفاع و خانواده‌های معززشان برسانند.

دستور عارف برای تشکیل پنج کارگروه تخصصی برگزاری اجلاس سران اکو در تهران

معاون اول رییس جمهوری با تأکید بر ضرورت برگزاری اجلاس ســران ســازمان همکاری اقتصادی (اکو) در بالاترین ســطح در ایران، دستور تشکیل پنج کارگروه فرهنگی، گردشگری، دیپلماسی، اقتصادی و سیاسی به ریاست وزرای مربوطه را صادر کرد. محمدرضا عارف در جلســه برنامه‌ریزی اجلاس سران کشورهای عضو ســازمان همکاری اقتصادی (اکو)، با تأکید بر اهمیت میزبانی ایران از این اجلاس، اظهار کرد: تعامل و توسعه روابط با کشــورهای منطقه یکی از راهبردهای دولت چهاردهم و به‌ویژه رییس جمهوری است. دولت در این زمینه دستاوردهای ارزشمندی کسب کرده که بخشی از آن به روش و منش رییس جمهوری و بخش دیگری به عملکرد دســتگاه‌های اجرایی و همچنین آمادگی کشــورهای منطقه برای تعامل با جمهوری اســلامی ایران بازمی‌گردد. معاون اول رییس جمهوری با اشاره به حضور ایران در سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای گفت: جمهوری اسلامی ایران مشارکت جدی و بسیار مناسبی در مجموعه‌هایی مانند ســازمان همکاری شــانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراســیا دارد. شــرایط ایران در این سازمان‌ها و اتحادیه‌ها نسبت به گذشته بسیار بهتر شده و تعامل واقعی با کشورهای عضو شکل گرفته است. وی با اشــاره به اهمیت برگزاری اجلاس سران اکو در ایران اظهار کرد: تجربه نشان داده که ایران در اجلاس‌هایی که میزبانی آنها را بر عهده داشته، موفقیت‌های بیشتری به دست آورده است و مسوولان کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس‌ها با ذهنیت مثبتی ایران را ترک کرده‌اند و آثار میزبانی جمهوری اســلامی ایران از نشست‌های منطقه‌ای را در اجلاس‌های بعدی نیز مشاهده کرده‌ایم. عارف با اشاره به سابقه تشکیل سازمان همکاری اقتصادی با محوریت سه کشور ایران، پاکســتان و ترکیه گفت: متأسفانه این سازمان که اکنون ۱۰ عضو دارد، عملکرد مناسبی نداشته است. سران کشورهای عضو نیز بر این موضوع تأکید دارند که فعالیت‌های اکو باید گسترش یابد تا این سازمان به جایگاه منطقه‌ای خود بازگردد. معاون اول رییس جمهوری با اشاره به گسترش روابط کشورهای عضو اکو با یکدیگر در قالب همکاری‌های دوجانبه یا سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای اظهار کرد: این تعاملات موجب شده است کشورهای عضو آمادگی مناسبی برای ارتقای همکاری‌ها در چارچوب ســازمان اکو داشــته باشند. کشــورهای عضو اکو در حوزه تمدنی ایران قرار دارند و اشتراکات فرهنگی فراوان میان آنها، زمینه مناسبی برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای فراهم کرده است. این اجلاس فرصت بسیار مهمی برای جبران کم‌کاری‌های چهاردهه گذشــته و ترســیم افق پیش روی سازمان همکاری اقتصادی است. به‌ویژه آنکه چالش‌های منطقه کاهش یافته و کشورهای آسیای میانه و آسیای مرکزی، قفقاز و کشورهای شرق ایران برای گسترش همکاری با کشورمان آمادگی دارند. وی با تأکید بر ضرورت برگزاری اجلاس ســران اکو در بهترین ســطح در ایران تصریح کرد: اقدامات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به برگزاری این اجلاس باید براساس اولویت‌های مشخص انجام شود. گردشــگری، علم و فناوری، امنیت فضای ســایبری و تجارت از محورهای مهم همکاری میان کشورهای عضو اکو است که باید توجه ویژه به این حوزه‌ها در برنامه‌ریزی اجلاس کرد. برگزاری ایــن اجلاس باید زمینه‌ای برای ارتقای سطح تعاملات و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای میان کشورهای عضو فراهم کند.

آخرین تحولات یک پرونده تاریخی

ایران و FATF؛ از پرونده ۲۰ ساله تا فرصت تازه برای خروج از فهرست سیاه



پرونده ایران در گــروه ویژه اقدام مالــی (FATF) پس از نزدیک بــه دو دهه همچنان یکی از موضوعات اثرگذار بر روابط بانکی و تجاری کشور با جهان است؛ پرونده‌ای که در سال‌های گذشته، علاوه بر اختلاف‌نظرهای داخلی درباره الزامات حقوقی و ملاحظات امنیتی، تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های بانکی و پیچیدگی‌های تجارت خارجی قرار داشته است. با این حال، تحولات اخیر نشان می‌دهد که مسیر تعامل فنی با این نهاد همچنان باز است و اقدامات حقوقــی و اجرایی ایران می‌توانــد در ارزیابی بین‌المللی از وضعیت کشور اثرگذار باشد.

در تازه‌ترین تحول، مرکز اطلاعات مالی ایران پس از انتشار بیانیــه اجلاس اکتبر ۲۰۲۶ گروه ویــژه اقدام مالی اعلام کرد که پیشرفت اقدامات ایران در ۱۰ بند از برنامه اقدام، با اجماع اعضای این نهاد تأیید شده است. به گفته این مرکز، مســتندات و دفاعیات فنی هیات ایرانی در نشست اول مهرماه ۱۴۰۵ در رم و گزارش‌های تکمیلی کشور، زمینه طرح این پیشرفت‌ها در بیانیه عمومی اخیر را فراهم کرده است. مرکز اطلاعات مالی همچنین اعلام کرده است که از میان ۱۰ شرط ایران درباره کنوانسیون‌های پالرمو و مبارزه با تأمین مالی تروریسم، پنج شرط از سوی FATF مانع اجرای استانداردهای بین‌المللی تشخیص داده شده‌اند.

این تحول از منظر دیپلماسی فنی اهمیت دارد، زیرا نشان می‌دهد حتی در شــرایط دشــوار سیاســی و اقتصادی، پیگیری کارشناسی پرونده می‌تواند به ثبت پیشرفت‌های مشخص منجر شود. با این حال، باید میان ارزیابی ایران از پیشرفت‌های به دست آمده و تصمیم نهایی FATF تمایز قائل شد. بیانیه رسمی این نهاد در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، ضمن اشاره به ازســرگیری تعامل ایران و پیشرفت محدود در برخی زمینه‌های فنی، همچنان بر وجود نواقص اساسی، تکمیل نشدن برنامه اقدام و ضرورت اصلاح چارچوب قانونی کشور تأکید دارد. بنابراین، پیشرفت اعلام‌شده از سوی مرکز اطلاعات مالی را باید گامی در مســیر حل‌وفصل پرونده دانست، نه به معنای خروج ایران از فهرست سیاه.

◄ FATF چیست و چرا وضعیت ایران در این نهاد اهمیت دارد؟

گــروه ویژه اقدام مالی در ســال ۱۹۸۹ بــا هدف مقابله با پولشویی شــکل گرفت و در ادامه، مبارزه با تأمین مالی تروریسم و تأمین مالی اشاعه تسلیحات کشتار جمعی نیز در شمار ماموریت‌های آن قرار گرفت. این نهاد استانداردهایی را تدوین می‌کند که کشــورها برای شناسایی و مقابله با جریان‌های مالی غیرقانونی، شفافیت تراکنش‌ها، شناسایی مشتریان و همکاری‌های قضایی و مالی بین‌المللی باید در قوانین و سازوکارهای اجرایی خود مورد توجه قرار دهند. FATF نهــاد اعطاکننده مجوز تجــارت یا تعیین‌کننده مستقیم روابط بانکی کشورها نیست، اما ارزیابی‌های آن بر تصمیم موسسات مالی و نهادهای ناظر تأثیر می‌گذارد. کشــورهایی که در چارچوب مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم با نواقص راهبردی جدی روبه‌رو هستند، ممکن است در فهرست‌های عمومی این نهاد قرار گیرند و با اقدامات نظارتی یا مقابله‌ای مواجه شوند.

اصطلاح رایج «فهرست سیاه FATF» به فهرست رسمی «حوزه‌های قضایی پرخطر مشــمول فراخــوان اقدام» اشاره دارد. در این وضعیت، FATF از اعضا و سایر کشورها می‌خواهــد بــرای حفاظت از نظــام مالی خــود در برابر ریسک‌های شناسایی‌شــده، اقدامات مقابله‌ای موثری اعمال کنند. این وضعیت با «فهرست خاکستری» متفاوت است؛ کشورهایی که در فهرست خاکستری قرار می‌گیرند، متعهد شده‌اند نواقص مشخصی را در مهلت‌های توافق‌شده برطرف کنند و تحت نظارت بیشتر قرار دارند، اما لزوماً با همان سطح از اقدامات مقابله‌ای مواجه نیستند.

اهمیت وضعیت ایران در این نهاد را نمی‌توان جدا از موقعیت اقتصادی و سیاسی کشــور بررسی کرد. محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های امریکا، دشواری دسترسی به شبکه بانکی بین‌المللی و مشــکلات انتقال ارز، پیش از هر چیز بر روابط مالی ایران اثر گذاشته‌اند. قرار گرفتن در فهرست سیاه FATF نیز لایه دیگری از ریسک و محدودیت ایجاد می‌کند. این دو مساله یکسان نیستند، اما می‌توانند آثار یکدیگر را تشدید کنند. به همین دلیل، حل‌وفصل پرونده FATF نه به معنای پایان همه محدودیت‌های بانکی ایران، بلکه به معنای تلاش برای برطرف کردن یکی از موانع مهم در مسیر تعاملات مالی بین‌المللی است.

◄ از هشدارهای سال ۲۰۰۷ تا اقدامات مقابله‌ای سال ۲۰۰۹

سابقه پرونده ایران در FATF به سال ۲۰۰۷ بازمی‌گردد. این نهاد در اکتبر همان ســال برای نخستین‌بار به ضعف چارچوب ایران در مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم اشــاره کرد و از موسسات مالی خواست ریسک معاملات مرتبط با ایران را با دقت بیشتری ارزیابی کنند.

در فوریــه ۲۰۰۸، هشــدارهای FATF دربــاره ایــران گسترش یافت و بر ضرورت توجه بیشتر موسسات مالی به ریســک‌های مرتبط با مبادلات با اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی تأکید شد. در فوریه ۲۰۰۹ نیز، با ارزیابی این نهاد مبنی بر ناکافی بودن اقدامات ایران برای رفع نواقص شناسایی‌شده، فراخوان اعمال اقدامات مقابله‌ای مطرح شد.

البته در آن سال‌ها، ســاختار فهرست‌های FATF با شکل کنونی آن یکسان نبود. از این رو، دقیق‌تر آن است که گفته شود ایران از سال ۲۰۰۷ وارد روند هشدارهای عمومی این نهاد شد و از سال ۲۰۰۹ با فراخوان اقدامات مقابله‌ای مواجه بود؛ نه اینکه همه این مراحل را با یک تاریخ واحد برای ورود به «فهرســت ســیاه» توضیح دهیم. گزارش صندوق بین‌المللــی پول درباره ایران نیز همین روند تاریخی را ثبت کرده است.

این روند در سال‌های بعد ادامه یافت و به یکی از موضوعات مهم در ارزیابی روابط بانکی ایران با نظام مالی بین‌المللی تبدیل شد. در عین حال، ایران در مقاطع مختلف اقداماتی برای اصلاح قوانین مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم انجام داد؛ اقداماتی که در نهایت زمینه ورود پرونده به مرحله تازه‌ای از تعامل با FATF را فراهم کرد.

◄ ســال ۲۰۱۶؛ تعهــد ایــران و تعلیق موقت اقدامات مقابله‌ای

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف پرونده در ژوئن ۲۰۱۶ رقم خورد. در این مقطع، ایران تعهد سیاسی سطح بالایی برای رفع نواقص راهبردی خود اعلام کرد و پذیرفت برنامه‌ای مشخص برای اصلاح چارچوب مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم اجرا کند. FATF نیز در واکنش به این تعهد، اقدامــات مقابله‌ای را برای مــدت ۱۲ ماه به حالت تعلیق درآورد تا روند اجرای برنامــه اقدام ایران را زیر نظر بگیرد. این تصمیم اهمیت داشت؛ زیرا نشان می‌داد تعامل فنی و پذیرش تعهدات مشخص می‌تواند بر نحوه برخورد این نهاد با یک کشور اثر بگذارد. با این حال، تعلیق اقدامات مقابله‌ای به معنای حذف ایران از فهرست عمومی کشورهای پرخطر نبود. ایران همچنان در بیانیه‌هــای FATF باقی ماند و از موسسات مالی خواسته می‌شد هنگام برقراری روابط مالی با اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی، بررسی‌های دقیق‌تری انجام دهند. به بیان دیگــر، این دوره فرصتی برای اجرای تعهدات و اثبات پیشرفت بود، نه پایان پرونده.

FATF در بیانیه ژوئن ۲۰۱۶ اعلام کرد که در صورت مشاهده پیشرفت کافی، درباره گام‌های بعدی تصمیم خواهد گرفــت. در مقابل، اگر ایــران نتواند تعهدات برنامه اقدام را در مهلت مقرر اجرا کند، امکان بازگشت اقدامات مقابله‌ای وجود خواهد داشت.

◄ تمدید مهلت‌ها
فرصت اصلاحات و باقی ماندن اختلاف‌ها

در سال ۲۰۱۷، FATF با اشــاره به تعهد سیاسی ایران و اقداماتی که تا آن زمان انجام شــده بــود، تعلیق اقدامات مقابله‌ای را تمدید کرد. این تصمیم به ایران فرصت بیشتری داد تا اصلاحات حقوقی و اجرایی مورد نظر را تکمیل کند. در همان دوره، ایران سازوکار اظهار وجه نقد را ایجاد کرد و اصلاحاتی در قوانین مبارزه با پولشــویی و تأمین مالی تروریســم در دســتور کار قرار گرفت. با این حال، از دید FATF، بخش قابل توجهی از تکالیف برنامه اقدام همچنان تکمیل نشده بود.

در نوامبر ۲۰۱۷، این نهاد اعلام کرد که مهلت برنامه اقدام ایران در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ به پایان خواهد رسید و خواستار تسریع اصلاحات شد. به‌ویژه، موضوع جرم‌انگاری تأمین مالی تروریســم، شناسایی و مسدودســازی دارایی‌های مشمول تحریم‌های هدفمند، اجرای الزامات شناسایی مشتریان و تصویب و اجرای کنوانسیون‌های مرتبط، در شمار محورهای اصلی اختلاف باقی ماند.

در فوریه ۲۰۱۸، FATF با وجود پایان مهلت برنامه اقدام و تکمیل نشدن بیشتر بندهای آن، تعلیق اقدامات مقابله‌ای را ادامه داد. این تصمیم نشان می‌داد که این نهاد همچنان امکان اصلاح و تعامل را باز می‌گذارد؛ با این حال، همزمان بر ضرورت اجرای تعهدات باقی‌مانده تأکید داشت.

در ادامه ســال ۲۰۱۸ نیز فرصت دیگری برای پیشــبرد اصلاحات فراهم شد. اما اختلاف‌ها درباره برخی الزامات قانونی، به‌ویژه تعریف تأمین مالی تروریسم و نحوه اجرای کنوانسیون‌های پالرمو و CFT، همچنان پابرجا ماند. به این ترتیب، ایران از یک سو اصلاحاتی را در قوانین و سازوکارهای داخلی دنبال می‌کرد و از ســوی دیگر، نتوانسته بود همه شروط برنامه اقدام را مطابق ارزیابی FATF نهایی کند.

◄ سال ۲۰۱۹ و بازگشت فشارها؛ نقطه عطف فوریه ۲۰۲۰

در اکتبر ۲۰۱۹، FATF به دلیل پیشرفت ناکافی ایران در اجرای برنامه اقدام، از اعضا و سایر کشورها خواست اقدامات نظارتی و کنترلی بیشتری را در روابط مالی مرتبط با ایران در نظر بگیرند. این اقدامات شامل نظارت دقیق‌تر بر شعب و شرکت‌های وابسته به موسسات مالی ایرانی، تقویت گزارش‌دهی درباره تراکنش‌ها و افزایش الزامات حسابرسی خارجی بود.

در فوریــه ۲۰۲۰، FATF اعلام کــرد که ایران برنامه اقدام را به‌طور کامل اجرا نکرده است. این نهاد با اشاره به تصویب نشدن و اجرای نشدن کنوانسیون‌های پالرمو و CFT مطابق اســتانداردهای مورد نظر خود، تعلیق اقدامات مقابله‌ای را به‌طور کامل لغو کرد و خواســتار اعمال اقدامات مقابله‌ای موثر علیه ایران شد.

از آن زمان، ایران در فهرست حوزه‌های قضایی پرخطر مشــمول فراخوان اقدام باقی مانده است. FATF در بیانیه‌های بعدی خود نیز تأکید کرده که خروج ایران از این وضعیت به تکمیل برنامه اقــدام و رفع نواقص راهبردی بستگی دارد.

نکته مهم این است که بازگشت اقدامات مقابله‌ای در سال ۲۰۲۰ را نباید صرفاً نتیجه یک تصمیم سیاسی در همان سال دانست. از منظر رسمی FATF، این تصمیم در امتداد برنامه اقدامی بود که در سال ۲۰۱۶ پذیرفته شد، در ژانویه ۲۰۱۸ به پایان رسید و بخش عمده‌ای از تکالیف آن تکمیل نشده بود. در مقابل، ارزیابی تأثیر عوامل سیاسی و تحریم‌ها بر روابط مالی ایران نیز نیازمند توجه به زمینه گسترده‌تر روابط بین‌المللی کشور است. به این ترتیب، از سال ۲۰۲۰ به بعد، پرونده ایران وارد مرحله‌ای شد که در آن، با وجود ادامه برخی اصلاحــات داخلی و ارایه گزارش‌های جدید، اقدامات مقابله‌ای همچنان برقرار ماند.

◄ پالرمو و CFT؛ دو پرونده‌ای که تعیین تکلیف آنها سال‌ها طول کشید

دو کنوانسیون پالرمو و مقابله با تأمین مالی تروریسم، از مهم‌ترین موضوعات اختلاف در پرونده ایران بودند. کنوانســیون پالرمو به مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی مربوط است و کنوانســیون CFT چارچوبی بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم ایجاد می‌کند. FATF تصویب و اجرای این کنوانســیون‌ها را از اجزای برنامه اقدام ایران می‌دانست؛ در حالی که در داخل کشــور، درباره پیامدهای حقوقی، سیاسی و امنیتی پیوستن به آنها اختلاف‌نظر وجود داشت.

این اختلاف‌ها باعث شد لوایح مربوط به این دو کنوانسیون پس از طی مراحل قانون‌گذاری، بــرای تعیین تکلیف نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام برسند. موافقان حل‌وفصل پرونده بر ضرورت کاهش موانع همکاری بانکی و تجاری با جهان تأکید داشتند؛ منتقدان نیز نگرانی‌هایی درباره تعهــدات بین‌المللی، نحوه تفســیر برخی مفاد و پیامدهای احتمالی آنها برای سیاســت خارجی و امنیت ملی مطرح می‌کردند.

در ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، مجمع تشخیص مصلحت نظــام الحاق ایران به کنوانســیون پالرمو را به‌صورت مشــروط تصویب کرد. این تصمیم پــس از چندین جلسه در صحن و کمیسیون مشترک مجمع و بررسی ایرادهای مطرح‌شــده اتخاذ شد. مطابق گزارش‌های منتشرشده، مصوبه بر پذیرش کنوانسیون در چارچوب قانون اساسی و قوانین داخلی ایران تأکید داشت. این تحول پس از سال‌ها اختلاف‌نظر، یکی از گام‌های مهم در تعیین تکلیف پرونده FATF به شمار می‌رفت.

در اول اکتبر ۲۰۲۵ نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام الحاق مشــروط ایران به کنوانسیون CFT را تصویب کرد. این تصمیم، دومین تحول مهم در مسیر تعیین تکلیف دو کنوانســیون مورد اختلاف بود و از این نظر اهمیت داشت که یکی از محورهای اصلی باقی‌مانده در پرونده ایران را وارد مرحله تازه‌ای کرد. با این حال، هر دو مصوبه با شروطی همراه بودند و تصویب داخلی آنها به معنای آن نبــود که FATF بلافاصله وضعیت ایــران را تغییر دهــد. این نهاد باید بررســی کند که شروط و تحفظات ایران تا چه اندازه با استانداردهای موردنظرش ســازگارند و آیا قوانین و ســازوکارهای اجرایی کشور الزامات مربوط را تأمین می‌کنند یا خیر. گزارش رویترز در زمان تصویب CFT نیز تأکید داشت که این تصمیم می‌تواند گامی در جهت رفع موانع باشد، اما به‌تنهایی خروج از فهرست سیاه را تضمین نمی‌کند.

◄ تحولات سال ۲۰۲۶؛
پیشرفت فنی در کنار استمرار اختلاف‌ها

در سال ۲۰۲۶، پرونده ایران همچنان در دستور کار FATF قرار داشت. این نهاد در بیانیه‌های پیشین خود، از جمله در فوریه و ژوئن، ضمن اشــاره به تعامل ایران و گزارش‌های ارایه‌شده، بر این موضوع تأکید کرده بود که بخش عمده‌ای از برنامه اقدام از سال ۲۰۱۶ تکمیل نشده و تحفظات ایران درباره کنوانسیون‌های پالرمو و CFT از نظر این نهاد بیش از حد گسترده‌اند.

در تازه‌ترین بیانیه، منتشرشده در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، FATF اعلام کرد که ایران در سپتامبر همان سال گزارشی درباره اقدامات خود ارایه کرده است. این نهاد پیشرفت محدود فنی ایران در ایجاد چارچوبی برای دریافت درخواست‌های بین‌المللی مربوط به مسدودسازی دارایی‌ها را مورد اشاره قــرار داد، اما همزمان تأکید کرد کــه چارچوب مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در ایران همچنان با نواقص اساسی مواجه است.

از نگاه FATF، مهم‌ترین موارد باقی‌مانده شــامل اصلاح جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، ایجاد نظام تحریم‌های مالی هدفمند مطابق اســتانداردهای ایــن نهاد، اصلاح تحفظات مربوط به کنوانسیون‌های پالرمو و CFT و اجرای کامل برنامه اقدام است. این نهاد اعلام کرده است که تا زمان تکمیل برنامه اقدام، ایران در فهرست کشورهای پرخطر مشمول فراخوان اقدام باقی خواهد ماند.

در مقابل، مرکز اطلاعات مالی ایران در اطلاعیه پس از اجلاس آبان‌ماه، تصویری از پیشرفت‌های به دست آمده در مسیر تعامل فنی ارایه کرده است. بنا بر این اطلاعیه، در نشست اول مهرماه ۱۴۰۵ در رم، پیشرفت اقدامات ایــران در ۱۰ بند از برنامه اقدام مورد اجماع اعضا قرار گرفته و برای نخستین‌بار این پیشرفت‌ها در متن بیانیه عمومی اجلاس اخیر نیز منعکس شده است.

این مرکز تأکید کرده که دســتیابی بــه این نتیجه در شرایط دشوار سیاسی و با وجود حضور نمایندگان امریکا و اسراییل، حاصل ارایه مستندات و دفاعیات فنی هیات ایرانی بوده است. در عین حال، اطلاعیه مرکز اطلاعات مالی اذعان دارد که FATF پنج مورد از ۱۰ شرط ایران درباره دو کنوانسیون پالرمو و CFT را ناسازگار با اجرای استانداردهای بین‌المللی تشخیص داده است.

بنابرایــن، دو گزاره را باید همزمــان در نظر گرفت: از یک‌سو، ایران توانسته بخشــی از پیشرفت‌های فنی خود را در روند تعامل با FATF ثبت کند؛ از سوی دیگر، این پیشرفت‌ها هنوز به تغییر وضعیت رسمی کشور در فهرست سیاه منجر نشده‌اند. این تمایز برای ارزیابی واقع‌بینانه مسیر پیش رو ضروری است.

◄ ماندن در فهرست سیاه چه هزینه‌ای برای اقتصاد دارد؟

یکی از مهم‌ترین آثار قرار گرفتن در فهرست سیاه، افزایش ریســک همکاری موسســات مالی خارجی با بانک‌ها و اشخاص مرتبط با کشور مورد نظر است. زمانی که FATF از کشورها می‌خواهد اقدامات مقابلــه‌ای اعمال کنند، موسســات مالی ممکن اســت روابط کارگزاری خود را محدود کنند، درباره تراکنش‌ها بررسی‌های گسترده‌تری انجام دهند یا از ایجاد برخی روابط جدید خودداری کنند. چنین وضعیتی می‌توانــد هزینه و زمان نقل‌وانتقال پول را افزایش دهد و بر تجارت خارجی، تســویه قراردادهای صادراتــی و وارداتــی، تأمیــن مالــی بنگاه‌هــا و جذب سرمایه‌گذاری اثر بگذارد. حتی در مواردی که انجام یک معامله از نظر حقوقی امکان‌پذیر باشد، افزایش هزینه‌های تطبیق با مقررات و نگرانی از ریسک‌های حقوقی می‌تواند بانک یا شرکت خارجی را از همکاری منصرف کند.

این آثار برای ایران در شــرایطی اهمیت بیشــتری پیدا می‌کنند که تحریم‌های امریکا نیز محدودیت‌های جدی برای دسترسی به نظام مالی بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. در چنین شــرایطی، بنگاه‌های ایرانی ممکن است همزمان با محدودیت‌های تحریمی و افزایش ریســک ناشــی از وضعیت FATF مواجه شوند. البته تعیین سهم دقیق هر یک از این عوامل در هزینه‌های مبادلاتی کشور، به بررسی داده‌های بانکی و تجاری نیاز دارد و نمی‌توان تمام مشکلات نقل‌وانتقال پول را صرفاً به یک عامل نسبت داد.

گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۷ نیز نشان می‌داد که پس از رفع بخشــی از تحریم‌های هســته‌ای، بانک‌های ایرانی همچنان برای برقراری روابط کارگزاری با بانک‌های بزرگ بین‌المللی با موانع جدی مواجه بودند. این موانع هم به تحریم‌های باقی‌مانده و هم به نگرانی‌های مربوط به چارچوب مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم ارتباط داشتند.

از این منظــر، حل‌وفصل پرونــده FATF می‌تواند یکی از موانع همــکاری مالی با ایران را کاهش دهد، اما به‌تنهایی قادر به رفع همه محدودیت‌ها نیســت. حتی در صورت تغییر وضعیت ایران، تصمیم بانک‌ها و موسســات مالی خارجی همچنان بــه مقررات تحریمی، ریسک‌های حقوقی، ملاحظات تجاری و سیاست‌های داخلی آنها وابسته خواهد بود.

◄ چرا بسیاری از فعالان اقتصادی حل‌وفصل پرونده را ترجیح می‌دهند؟

در نگاه بخش مهمی از فعالان اقتصادی، ماندن در فهرست ســیاه FATF مزیتی برای تجارت و تولید کشــور ایجاد نمی‌کند. بنگاه‌هایی که برای واردات مواد اولیه، صادرات محصولات یــا دریافت وجــوه قراردادهای بین‌المللی به شبکه بانکی متکی هستند، بیش از هر چیز به امکان انتقال مطمئن و کم‌هزینه پول نیاز دارند. افزایش ریسک همکاری بانکی می‌تواند این فرایندها را دشوارتر کند، حتی اگر منشأ اصلی برخی محدودیت‌ها تحریم‌های خارجی باشد.

به همین دلیل، حل‌وفصل پرونــده FATF برای موافقان آن بخشی از راهبرد کاهش هزینه‌های مبادلات خارجی است. از این منظر، هدف لزوماً پذیرش بی‌قیدوشرط همه مطالبات بین‌المللی نیست، بلکه تعیین تکلیف اختلاف‌ها از طریق مذاکره، ارایه مستندات، اصلاح قوانین و ارزیابی دقیق پیامدهای هر تصمیم است. تجربه سال ۲۰۱۶ نیز نشان داد که تعهد سیاسی و تعامل فنی می‌تواند دست‌کم به تعلیق موقت اقدامات مقابله‌ای منجر شود؛ هرچند تجربه بعدی روشن کرد که تعلیق موقت بدون تکمیل برنامه اقدام، راه‌حل پایدار نیست. در مقابل، منتقدان پیوستن به کنوانسیون‌ها و اجرای کامل الزامات FATF، نگرانی‌هایی درباره دامنه تعهدات بین‌المللی، تعریف تأمین مالی تروریسم، تبادل اطلاعات مالی و تأثیر احتمالی این تعهدات بر سیاســت خارجی ایران مطرح می‌کنند. این نگرانی‌ها را نمی‌توان با نادیده گرفتن یا سیاسی خواندن همه مخالفت‌ها کنار گذاشت. تصمیم‌گیری دقیق مستلزم بررسی حقوقی مفاد کنوانسیون‌ها، ارزیابی پیامدهای اجرایی و شفاف‌سازی درباره تضمین‌های مورد نظر ایران است.

با این حال، باقی ماندن در وضعیت فعلی نیز بدون هزینه نیست. وقتی کشور در فهرست سیاه قرار دارد، بانک‌ها و شــرکت‌های خارجی با ســطح بالاتری از ریسک مواجه می‌شوند و فضای مانور فعالان اقتصادی محدودتر می‌شود. از این رو، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان ضمن حفظ ملاحظات امنیتی و حقوقی کشور، مسیر کاهش محدودیت‌های بانکی و تجاری را دنبال کرد؛ نه اینکه صرفاً میان پذیرش کامل همه مطالبات و نادیده گرفتن کامل پرونده، یکی را انتخاب کرد.

◄ فرصت پیش رو
تبدیل پیشرفت فنی به تصمیم اجرایی

آخرین تحولات نشان می‌دهد پرونده ایران در FATF هنوز بسته نشده است. تصویب مشروط پالرمو و CFT در مجمع تشخیص، ارایه گزارش‌های تکمیلی، تعامل هیات ایرانی و اعلام پیشرفت در بخشی از برنامه اقدام، همگی می‌توانند در ادامه مسیر اهمیت داشته باشند. اما ایــن اقدامات زمانی به نتیجــه اقتصادی ملموس نزدیک می‌شوند که به رفع نواقص مورد نظر FATF و تغییر رسمی ارزیابی این نهاد منجر شوند.

در این مســیر، هماهنگی میــان نهادهــای قانون‌گذار، دستگاه‌های اجرایی، مرکز اطلاعات مالی، نهادهای نظارتی و سایر مراجع ذی‌صلاح ضروری است. همچنین لازم است تفاوت میان دستاورد کارشناسی، تکمیل الزامات حقوقی و تغییر وضعیت رسمی ایران در بیانیه‌های FATF به روشنی توضیح داده شود تا پیشرفت‌های واقعی بزرگ‌نمایی نشوند و در عین حال، اهمیت آنها نیز نادیده نماند.

از ســوی دیگر، لازم اســت آثار اقتصادی تصمیم‌ها با شاخص‌های قابل سنجش بررسی شوند؛ از جمله هزینه و زمان انتقال پول، دسترسی بانک‌ها به روابط کارگزاری، امکان تســویه قراردادهای صادراتی و وارداتی و میزان تمایل موسسات مالی خارجی به همکاری با طرف‌های ایرانی. چنین ارزیابی‌ای می‌تواند بحث FATF را از جدال صرفاً سیاسی به بررســی دقیق‌تر منافع و هزینه‌های اقتصادی نزدیک کند. پرونده ایران در این نهاد از ســال ۲۰۰۷ با هشــدارهای عمومی آغاز شد، در سال ۲۰۱۶ وارد مرحله تعهد به اجرای برنامه اقدام شد، پس از چند بار تمدید مهلت در سال ۲۰۲۰ به بازگشت کامل اقدامات مقابله‌ای انجامید و در ســال ۲۰۲۵ با تصویب مشروط دو کنوانسیون در مجمع تشخیص وارد مرحله تازه‌ای شد. اکنون، با وجود اعلام پیشرفت در بخشی از اقدامات فنی، مسیر خروج از فهرست سیاه همچنان به اصلاحات حقوقی و اجرایی و رفع اختلاف‌های باقی‌مانده وابسته است. برای اقتصاد ایران، حل‌وفصل این پرونده می‌تواند فرصتی برای کاهش یکی از موانع تعامل مالی با جهان باشــد؛ فرصتی که جایگزین رفع تحریم‌ها نیست، اما می‌تواند در کنار سایر اقدامات، هزینه‌های تجارت خارجی را کاهش دهد و فضای قابل پیش‌بینی‌تری برای فعالان اقتصادی ایجاد کند. در نهایت، موفقیت این مسیر نه با تعداد جلسات و بیانیه‌ها، بلکه با تکمیل تعهدات، تغییر وضعیت رسمی کشــور و آثار قابل سنجش آن بر روابط بانکی و تجاری ایران مشخص خواهد شد.

سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه:

پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باید با رفع سایه تهدید و تضمین امنیت ایران همراه باشد

«نه جنگ و نه صلح» شرایط تحمیل شده بر ایران پس از جنگ دوازده‌روزه به ۴۰ روزه به تاکید و تصریح رهبر شهید و رهبر انقلاب باید خاتمه پیدا کند و این موضوع هم در دیدار پیش از شهادت رهبر شهید با «مسعود پزشکیان» رییس جمهور و هم در دیدار «محسن رضایی» دبیر شورای عالی امنیت ملی با رهبر انقلاب در پنجم آبان‌ماه مورد تاکید قرار گرفت. تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن، در کنار ضرورت تعیین تکلیف این شرایط و دستیابی به پایانی پایدار برای جنگ، به یکی از موضوعات مهم در عرصه سیاست داخلی و خارجی ایران تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، چگونگی عبور از بلاتکلیفی موجود، حفظ انســجام و آرامش جامعه، صیانت از منافع و حقوق ملی و ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدهای احتمالی آینده، اهمیت دوچندانی دارد. در همین راســتا و برای بررسی دلایل ضرورت پایان دادن به وضعیت کنونی، پیامدهای تداوم آن و الزامات دستیابی به نقطه پایانی که مانع تکرار تهدید و جنگ علیه ایران شود، «سیدمحمدعلی حسینی» سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه با ایرنا صحبت کرده اســت. وی در این مصاحبه، تقویت قدرت ملی، افزایش هزینه‌های دشمن، حفظ انسجام داخلی، مدیریت تنگه هرمز و تحکیم روابط با کشورهای همسایه و منطقه را از محورهای مهم عبور از شرایط موجود برشمرده است.

◄ تداوم سایه جنگ، امنیت روانی جامعه و فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند

ســخنگوی پیشــین وزارت امور خارجه در ارزیابی دلایل تاکیــد رهبر انقلاب بر پایان دادن به شــرایط «نه جنــگ، نه صلح» گفــت: به‌طور کلــی و اصولی طولانی شدن شرایط «نه جنگ، نه صلح»، امکانات، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور را دچار فرسایش کرده و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشور در امور مهم و حیاتی را دچار اختلال نموده و در یک بلاتکلیفی مزمن وارد می‌سازد.

وی ادامه داد: باقی ماندن سایه جنگ و ترور بر سر ملت و کشور، فقدان امنیت و آرامش لازم برای مسوولان کشور در حوزه‌های مختلف بــرای برنامه‌ریزی و اقدام، برهم خوردن آرامش روانــی جامعه همراه با گمانه‌زنی‌های مختلف از آینــده‌ای مبهم، اختلال جــدی در عرصه کسب و کار، نوسانات بعضا غیرقابل پیش‌بینی قیمت اجناس و کالاهای ضروری، رشد تورم و فزایش هزینه‌ها در حــوزه نظامی و دفاعی و امنیتی از جمله پیامدهای منفی شرایط کنونی «نه جنگ، نه صلح» است. از این رو رهبری شــهیدمان و همچنین رهبری معظم انقلاب و مسوولان کشــور بر ضرورت و فوریت خاتمه یافتن شرایط نه جنگ نه صلح در کشور که خواسته دو رژیم امریکایی و صهیونی است، تاکید می‌کنند.

دیپلمات پیشین کشــورمان در پاسخ به این پرسش که «برای پایان دادن به این شرایط، نیازمند رسیدن به نقطه پایان در جنگ هستیم، از دیدگاه شما این نقطه پایان باید چگونه به دست آید؟» گفت: امریکا و رژیم صهیونی تلاش می‌کنند تا با تحمیل شــرایط نه جنگ، نه صلح و تنگ‌تر کردن محاصره دریایی و افزایش تحریم‌ها، خسارت‌های مادی و معنوی بر ملت و نظــام را افزایش داده و موفق به شکست مقاومت بی‌نظیر ملی و تخریب روحیه عالی و اراده پولادین مردم مبعوث شده، گردند و نهایتا آنان را وادار به تسلیم کنند. کاری که تاکنون رهبری معظم و ملت مقاوم و نیروهای پرتوان مسلح و مسوولان اجرایی کشور موفق به انجام آن شده‌اند، ناکام گذاشتن دشمن در دستیابی به این اهداف شیطانی و خباثت‌آمیز بوده است.

حســینی افزود: اکنون باید با اتخــاذ تصمیمات جامع و برگرفتــه از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و همچنین اعمال ابتکاراتی ترکیبــی در حوزه‌های مختلف دفاعی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی، هزینــه‌های سنگین‌تری بر دشمن وارد سازیم تا شکست فاحش خطاهای محاسباتی خود را مشاهده نموده و ناگزیر گردد در سیاست‌های فعلی خود تجدیدنظر جدی کند.

وی با بیان اینکه رهنمودهای مطرح شده از سوی رهبری معظم در دیدار دبیر محترم شــورای عالی امنیت ملی با ایشان، گام‌های موثری اســت که در جهت دستیابی به این هدف به شمار می‌رود، توضیح داد: تاکید مکرر ایشان از جمله در همین دیدار بر تقویت انسجام و وحدت ملی، اعتماد متقابل مردم و مسوولان، اعمال مدیریت بر تنگه هرمز با هدف حفاظت از امنیت ملی و منطقه‌ای، پیگیری تامین حقوق و منافع ملت ایران و جبهه مقاومت از طریق تحقق شروط جمهوری اسلامی ایران و همچنین تحکیم روابط دوجانبه با کشورهای همسایه، همگی محورهای کلیدی و نکات اساسی برای کمک به خروج از شرایط «نه جنگ، نه صلح» ارزیابی می‌گردد.

سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه با بیان اینکه از اهداف اصلی و اساسی پایان دادن به این شرایط مرتفع ساختن سایه جنگ و ترور، تاکید کرد: سایه جنگ و ترور از فضای کشور باید دور شود و این خود اصلی‌ترین شاخص است. پایان گرفتن شرایط «نه جنگ، نه صلح» قطعا باید به نحوی باشد که هیچ دشمن شــروری مانند دو رژیم جنایتکار و یاغی بین‌المللی، امریکا و صهیونی، جرات تهدید و تحمیل جنگ جدیدی علیه ملت ایران را نداشته باشد و این تنها با تقویت ابعاد متنوع قدرت ملی کشورمان از یک سو و بالا بردن هزینه‌های دشمن در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دیگر میسر و مقدور است.